

همبستگی کارگری

گاهنامه کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد - مهر ۱۳۸۸ / سپتامبر ۲۰۰۹

Iransk – svenska arbetarsolidaritetskommittén

isask@comhem.se

کمتر کسی است که ندیده و نشنیده باشد که مردم در ایران دیگر تحمل این رژیم دیکتاتور، که ۳۰ سال در حکومت است را ندارند.

۳۰ سال مبارزه در مقابل این حکومت به اشکال مختلف پیشبرده شده است. مبارزه برای آزادی بیان، حق تشکل آزاد و مستقل، حق اعتصاب و گردهمایی و خواست یک زندگی انسانی، بیوقفه در جریان بوده است.

توده میلیونی مردم در این مدت از موقعیت به دست برای بیان عملی ترخواسته های خود و به نمایش گذاشتن گوشه ای از قدرت و اتحاد خودیش علیه رژیم اسلامی به میدان آمدند. وحشیگری، دستگیری، زندان، دادگاهی کردن، شکنجه و تجاوز نتوانست حرکت توده ای جاری را به عقب رانده و به سکوت بکشاند.

مبارزات مردم به اشکال مختلف با خواسته و مطالباتی که هرروزپخته ترشده، علیه این رژیم در جریان است. رژیم حاکم در بحران عمیقی گیر کرده است و راهی برای حل آن برای هیچ بخشی از آن موجود نیست.

در راستای مبارزات جاری مردم علیه دولت کودتایی، اعتراضات و تظاهراتی وسیع بین المللی در دفاع از مبارزات مردم و در محکومیت دولت کودتا و نیروهای سرکوبگر پاسدار و بسیجی به راه افتاده است.

یکسره کردن کار این رژیم در گرو حضور متشکل کارگران و دیگر نیروهای اجتماعی، دانشجویان و زنان است.

حضور طبقه کارگر میتواند وضعیت حاضر را به نفع کل جامعه تغییر دهد.



خواسته های اتحادیه سراسری کارگران سوئد از دولت ایران

سخنرانی و انیا ودین ، دبیر اول اتحادیه ال او، در تظاهرات دفاع از مبارزات جاری در ایران در پارک بزرگ شهر استکهلم، روز یکشنبه سی ام اوت ۲۰۰۹.

حضار محترم!

ما امروز در اینجا گرد هم آمده ایم تا همبستگی خود را با مردم ایران و خواستهایشان در مورد آزادی و حقوق بشر نشان دهیم. مردم ایران خواستار آزادی بیان، آزادی اجتماعات و انتخابات دموکراتیک و عادلانه میباشند. رعایت حقوق بشر در محیط کار، آزادی عضویت در سندیکا های آزاد و مستقل، حق مذاکرات آزاد و دسته جمعی با کارفرما برای تعیین دستمزد و شرایط کار، از دیگر خواستهای مردم میباشند. اینها حق و حقوقی هستند که مدتهای مدید از مردم ایران دریغ شده اند.

اجازه بدهید منصور اسانلو را مثال بزنم. وی رهبر سندیکای رانندگان اتوبوس تهران بود و دو سال پیش توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد. بسیاری از رفقای وی نیز به همین سرنوشت دچار شدند. جرمشان هم این است که یک سندیکای مستقل میخواهند. زندانی کردن منصور اسانلو تنها یکی از موارد متعددیست که در گزارش سالانه ارگان هماهنگی بین المللی اتحادیه ای، در مورد نقض حقوق سندیکایی در ایران مطرح شده است. حمله ارتش به کارگران متشکل نیشکر خوزستان، دستگیری و زندانی کردن رهبر سندیکای نانوایان و محکوم کردن تلاشگران سندیکایی به مجازات شلاق آنها بجرم شرکت در تظاهرات روز جهانی کارگر، مثالهای دیگری از نقض حقوق سندیکایی میباشند. ما در تابستان گذشته نامه ای اعتراضی به سفارت ایران تحویل داده و در آن، به همراه سایر اتحادیه های کارگری از سراسر دنیا، خواستار آزادی فوری منصور اسانلو و دیگر فعالین سندیکایی شدیم. ما همچنین خواستار شدیم که ایران معاهدات سازمان جهانی کار، آی ال او، در مورد رعایت حقوق بشر در محیط کار را برسمیت شناخته و مصوبات آنرا که چندین سال پیش به ایران ابلاغ شد، به اجرا درآورد. ما به همراه جنبش اتحادیه ای بین المللی، تا برآورده شدن خواستهایمان به مبارزاتمان ادامه خواهیم داد. مبارزه برای بدیهی ترین حقوق انسانی در محیط کار هنوز هم با پیگرد و آزار، زندان و سرکوب خشن روبروست.

شاید تعجب ما بیهوده باشد. زورگویان و ستمگران همیشه اتحادیه ها را تهدیدی برای خود بحساب آورده اند. آنها بخوبی میدانند که اتحادیه ها نظم موجود را زیر سوال برده و خواهان دموکراسی میباشند. آنها میدانند که مردم متشکل در سندیکا های آزاد میتوانند توازن قدرت را، نه تنها در محیط کار بلکه در سطح جامعه، بسود خود رقم بزنند. بهمین دلیل در ایران، همچون بسیاری کشورهای دیگر، اعضای سندیکا ها تحت پیگرد قرار میگیرند، فعالین سندیکایی به زندان میافتند و مبارزه برای حقوق بشر با خشونت سرکوب میشود. قدرتمداران ایران امیدوارند که ما خسته شده و به اعتراضاتمان پایان دهیم. ما اجازه نخواهیم داد که آنها پیروز شوند، چون من میدانم کم نیستند کسانی که به همبستگی و ارزشهای انسانی ارج گذاشته و به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

منصور اسانلو و دیگر تلاشگران سندیکایی همچون تظاهرات کنندگان خیابانهای تهران و سایر شهرها، به همبستگی ما نیاز دارند. آنها در مبارزه خود برای ایرانی آزاد و دموکراتیک، که در آن حقوق بشر محترم شمرده شود، به کمک ما نیاز دارند.

از همینروست که ما اینجا گرد هم آمده ایم و به اعتراضات خود ادامه داده، تنفر خود را از پیگرد، اختناق و خفقان نشان میدهیم. و نیز از همینروست که ما همبستگی بین المللی خود را با زنان و مردانی که هر روزه در ایران، هم در محیط کار و هم در خیابانها و میداین، برای حقوق بشر مبارزه میکنند نشان میدهیم.

ما از سوی اتحادیه سراسری کارگران سوئد، خواهان اجرای هفت خواسته مشخص زیر از سوی دولت ایران میباشیم.

*احترام به حقوق دمکراتیک، از آن جمله حقوق سندیکایی

*پایان دادن به اعمال خشونت آمیز

*آزاد کردن تمام فعالین سندیکایی زندانی

*برسمیت شناختن جنبش سندیکایی آزاد و مستقل

*احترام به قوانین حقوق بشر و برسمیت شناختن مصوبات سازمان جهانی کاردر مورد حقوق سندیکایی

*پایان دادن به تمام تضيیقات و تبعیضات ضد سندیکایی

*بازگشت بکار تمامی کسانی که بدلائل فعالیت‌های سندیکایی از کار اخراج شده اند.



یادها ... جاودانه ها...

<http://www.youtube.com/watch?v=tQyCqx-n6B0>



اصلاحات مُرد، زنده باد انقلاب

آزاد رخشان



شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۸۸
مرد زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم



به نقل از نشریه خیابان ۴۷

اصلاح طلبان تاریخاً دشمنان طبیعی انقلاب اند. زیرا که انقلاب ها نیز اصلاح طلبان را در خویش می بلعد و از این روست که اصلاح طلبان حتی در ناگزیر ترین شرایط نیز، انقلاب ها را به تعویق می



احمدی زاده انتخابات ایران را آزادترین انتخابات تاریخ بشر خواند
نماینده مجلس خبرگان در سنجاق
به ضرب گلوله کشته شد
گزارش تصویری از تظاهرات اعتراضی مردم علیه دیکتاتوری

دانش فورت هورو
احمدی زاده در سخنرانی خود در کنگره اتحادیه دانشجویان ایران در جریان انتخابات مجلس خبرگان گفت که این انتخابات آزادترین انتخابات تاریخ بشر است و این را باید به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ ایران در نظر گرفت. او همچنین گفت که این انتخابات نشان دهنده روحیه آزادیخواهی مردم ایران است و این را باید به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ ایران در نظر گرفت.

اندازند.

اکنون جدال جبهه منسجم اصلاح طلبان، با جناح مقابل که برساننده یا حامی دولت کودتا هستند، به نبردی سهمگین برای مرگ یا زندگی بدل شده است، و اصلاح طلبان، که بدون هیچ تعارفی، این نبرد را به پشتوانه توده های عظیم مردم تا بدین جا ادامه داده اند، در هراس از اندیشه انقلاب، کماکان بر ماندن در چارچوب های تنگ حکومتی پا می فشارند که کودتاچیان آن را در قبضه دارند و از شواهد و قرانن پیداست که تا انتهای این بازی خونین نیز پیش می روند.

گو اینکه، هم اصلاح طلبان و هم کودتاچیان، در یک ویژگی مشترک اند: تنها چیزی که هیچ یک از این دو نیروی سیاسی پیش بینی نمی کردند، قدرت خیزش عظیم توده های مردم، برای پیشبرد اعتراضاتشان بود.
از این رو هر دو آنها غافلگیر شدند، اصلاح طلبان راه ادامه اعتراضات در پس پشت جنبش مردمی را برگزیدند و کودتاچیان راه خونین سرکوب جنبش اعتراضی مردم را.

اصلاح طلبان در سه ماه گذشته نشان دادند که طرح لگام زدن و کنترل جنبش توده ای مردم را همواره در دستور کار دارند تا خارج از اتوریتته و تصمیم آنان، رادیکالیسم پویای اعتراضات مردم، سمت و سوی خارج از دستور ایشان نیابد؛ به زعم اصلاح طلبان، اعتراضات مردم باید صرفاً محدود به عقب نشاندن دولت کودتا باشد و نه چیزی بیش از آن.

اما اصلاح طلبان تا به کی قادرند اعتراضات مردم را در لفافه های مطابقت با قانون اساسی یا شرع بپیچند و با کمک نیروهای فرمیسیت مذهبی مترقی! یا سکولار و حتی لائیک به جنبش مردمی بازخورانند؟
از آن جایی که ادامه اعتراضات مردم، ناگزیر از چارچوب های شرع و قانون فراتر می رود، لاجرم باید فتیله فراخوان ها به اعتراضات خیابانی را پایین می کشیدند، در این فرصت، مانور خبری روی جنایات رخ داده در بازداشت گاه های رسمی و

زیرزمینی رژیم کودتا می توانست هم خلاء تداوم مبارزات خیابانی را پر نماید و هم زمان افشاگرانه نیز باشد؛ اگرچه این وقایع ضد بشری و هولناک موضوعات جدیدی در رژیم سرمایه داری اسلامی نبود که تمام سال های سیاه دهه شصت پر بود از چنین فجایعی، اما به هر تقدیر، این افشاگری ها برای دمیدن روح تازه ای در کالبد خیابان ها موثر و ضروری بود. ورود شخصیتی چون شیخ محصور، حسینعلی منتظری، به صحنه این کارزار نیز حضوری استراتژیک بود. بدون شک، اصلاح طلبان می بایست در دادگاه شرع نیز به متکی به مرجع تقلید عالیقدری باشند که دارای رتبه بی چون و چرایی در امر فقاقت و زعامت دینی مسلمین باشد و حتی مقام معظم رهبری نیز در این عرصه به گردپایش نرسد و خود از تنوریسین های نظریه ولایت فقیه بوده باشد.

استراتژی اصلاح طلبان در بهره گیری از مناسک و مناسبت های رسمی رژیم سرکوبگر اسلامی (نظیر روز قدس یا چنان که زمزمه های آن شنیده می شود تاسوعا و عاشورایی که در پیش است) نیز از دو جهت برای ایشان حامل مزیت است: نخست این که کماکان تجلی اصرار اصلاح طلبان به وفاداری بر مبانی و آرمان های نظام مقدس! جمهوری اسلامی و بنیان گزار فقید و حفظ حرمت خط قرمز های ایدئولوژیک آن است.

دوم این که چنین تحركات و تجمعات اعتراضی در افکار عمومی توده ها حاشیه امنی را تداعی می کند که تاثیرات منفی و بازدارنده کشتار و حوادث موخش زندان ها را تا حد زیادی خنثی می کند.

چنین است که حتی شعارهایی نظیر «نه غزه، نه لبنان، جاتم فدای ایران (یا فقط مردم ایران)» جای خود را به شعارهای هوشمندانه ای می دهند نظیر «چه غزه، چه لبنان، چه ایران، مرگ بر ظالمان»؛ و این شعارها از سوی اصلاح طلبان نیز به شدت حمایت می شود و حتی می توان افتراقی را میان اصلاح طلبان داخلی و بخش هایی از جمهوری خواهان لائیک یا دست راستی های افراطی تری چون ناسیونالیست های مشروطه خواه و... شاهد باشیم که سخنان موسوی درباره اهمیت روز قدس و مبارزات ضد استکباری مردم فلسطین را علیه حس وطن پرستی و توهین به احساسات انسانی و ناسیونالیستی!!! مردم ایران ارزیابی کرده اند!

چنین است که «اصلاحات مُرد، زنده باداصلاحات!» آقای حجاریان و استراتژی «فتح سنگر به سنگر» اصلاح طلبان که تماماً معطوف به مراکز قدرت و پوزسیون بود، به تدریج جای خود را به پروژه «اصلاحات خون می خواهد!» داد. اما خطر سنگر بندی خیابان ها توسط مردم و فتح سنگر به سنگر توسط قدرت عظیم و غیرقابل کنترل مردم، اکنون به اندیشه کاتالیزه کردن اعتراضات توده ای در راستای اهدافی خاص و مورد نظر اصلاح طلبان و مقابله با خطر «انقلاب» انجامیده است.

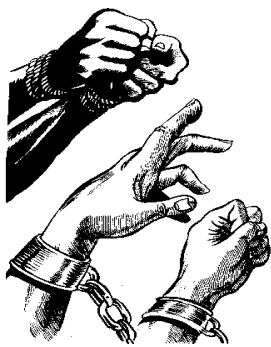
این که «آزادی بی بها نیست» حکمی کلی است اما بدون نکته سنجی می توان گفت که درست است، اما این که اصلاح طلبان بیان می دارند که «اصلاحات خون می خواهد»، لازم است توضیح دهند، مردمی که باید این خون را پرداخت کنند، مردمی که شرایط دشوار زندگی و معیشت شان آنان را به هستی غیر انسانی سوق داده، و حتی هیچ یک از آقایان کاندیدای اصلاح طلب، وعده یا توضیح روشن گرانه ای در باب برنامه هایشان در خصوص تغییر شرایط مادی و عینی مردم و به ویژه اقشار و طبقات زحمتکش و کارگر ارانه نکرده اند، چرا باید بابت اصلاحاتی که تغییری اساسی در زندگی آنان را نوید نمی دهد خون پرداخت کنند؟! و چرا نباید سیل خروشان اعتراضات خود را به سمت انقلاب هدایت کنند؟ چگونه مردم باید به نوستالژیی آقای موسوی نسبت به اوان انقلاب و دهه شصت اعتماد نمایند؟! چگونه باید دانشجویان به محمد خاتمی «آری» بگویند که هنوز دولت کودتا را انذار می دهد که بترسید از رشد جریانات رادیکال در دانشگاه! آیا این سخنان جز آن روی سکه است که می گوید بگذارید که ما بمانیم تا انقلاب نشود؟!

غلامعلی رجائی در مقاله حیات نو سه شنبه ۲۴ شهریور پرسیده است که: «آیا واقعا با این همه روش‌های کنترل رفتار افراد منتقد یا مخالف دولت حق هر حکومتی است و نیازی به اعمال این رفتارها آن هم درباره کسانی امثال فرزند شهید بهشتی است که از نخبگان برجسته کشور و از اساتید باسواد و خوشنام دانشگاه‌ها است؟ همان که چند روز پیش از دستگیری‌اش طرف گفتگوی مقامات امنیتی واقع شده بود که از وی درباره ایام بازگشایی دانشگاه‌ها مشورت خواسته‌اند و او نیز راه‌حلهایی را که برای کنترل اوضاع مفید می‌دانسته به آنها ارائه نموده است. (تاکید از ماست)

این که اصلاح طلبان چه کسانی بوده‌اند و کارنامه‌شان در دور قدیم حضورشان به مثابه نیروهای سیاسی درون حاکمیت چگونه بوده است، بحث این نوشتار نیست، اما این که امروز اصلاح طلبان کیانند و چگونه وظیفه کژتابی منافع مردم را برعهده دارند و چگونه امر توده‌های مردم در مسیر رشد و گسترش مبارزات و اعتراضاتشان، یعنی «انقلاب» را به تاخیر می‌اندازند، مساله ایست که پرداختن به آن در طول مبارزات مردم علیه دیکتاتوری و حافظان منافع بورژوازی سرکوبگر، وظیفه خدشه‌ناپذیر ما خواهد بود. بدون شک جنبش توده‌ای به تدریج تاکتیک‌های مشخصاً طبقاتی خود را خواهد یافت و نسبت به انحرافات که توسط رفرمیست‌ها عمادانه به جنبش توده‌ای تزریق می‌گردد با چشمان باز برخورد خواهد نمود. اما افشای منفعت‌باوری اصلاح طلبان با سوگیری مشخص طبقاتی‌شان، وظیفه ایست که بر عهده نیروهای پیگیر و رادیکال حاضر در اعتراضات توده‌ای مردم خواهد بود.



مبارزه کارگران انبارها در سوئد



مدتی است که کارگران انبارها در شهرهای مختلف سوئد دست به اعتصاب زده و مثل همیشه عده‌ای آنرا اعتصاب وحشی و غیر قانونی می‌نامند، گذشته از این نکات که در فرصتی نیاز به بحث دارد، این اعتصابات با اراده مستقیم کارگران و حضور اکثریت کارگران در حرکتها و رای و تصمیم‌گیری مستقیم آنها پیشبرده میشوند. در مقابل انبارها و کارخانه‌ها، در میادین پر جمعیت جمع شده به توضیح و پخش اطلاعیه به طرح خواسته‌های و مطالبات خویش می‌پردازند. تاکنون توانسته‌اند سمپاتی عمومی را نسبت به خواسته‌های خود کسب کنند. بخش وسیعی از کارگران انبار در معرض اخراج‌اند، و قرار است که شرکتها، نیروی کاری مورد نیاز را اجاره کنند، که هم ارزانترند و هم فشار کار و ساعت کار را به راحتی میتوانند، افزایش دهند، شرکتها، که این نیروی ارزان و خاموش مورد نیاز را از طریق شرکتهای اجاره دهنده نیروی کار که در حقیقت برده فروشی ارزان مدرن میباشند، را تامین میکنند. صاحبان سرمایه هیچ مسئولیت و هزینه‌ای دیگری در مقابل کارگران کنتراتی و اجاره‌ای ندارند. کارگران انبار نیز مانند تمامی کارگران در دنیا، درگیر مبارزه برای تامین معاش و محلی برای زندگی هستند.

کارگران انبار میدانند که با بیکار شدن، فقط تا مدتی میتوانند از بخشی از حقوق از دسترفته خود از طریق صندوق بیکاری، که شامل حال کارگرانی میشود که ماهیانه حق عضویت به صندوق بیکاری پرداخته‌اند، برخوردار شوند. آنان که عضو صندوق نیستند، مدتی از بیمه‌های عمومی که شامل حال تعدادی میشود که هرروز با مراجعه به اداره کار و با کمک آنها و دوندگی روزانه به دنبال کار بگردند، نام‌نشان کارفرمایان و دلیل استخدام نشدن را گزارش کرده تا اجاره‌خانه و مبلغ حداقلی برای تامین معاش دریافت کنند. بعد از مدتی این امکان نیز از دست خواهد رفت. سرویسهای رفاهی که سالها با مبارزه پیگیرانه کارگران بدست آمده بود، مدتهاست که زیر ضرب لیبرالها و کل سرمایه‌قرار گرفته است.

مبارزه کارگران انبار برای امنیت شغلی، شرایط کاری مناسب و محیط کاری امن ادامه دارد، شکل سازمانیابی و اعتراضاتی کارگران انبار و شرکت مستقیم کارگران در مبارزه موفقیت‌هایی برای آنان ایجاد کرده است. کارگران انبار در گردهمایی روزانه خود برای ایجاد تشکل منطقه‌ای و کشوری بحث و تبادل نظر میکنند و پیکتهای وسیعی را سازمان داده‌اند. کلوبهای مختلف اعتصابات در دفاع و همبستگی با مبارزه و خواست کارگران انبار سازمان داده‌اند. شرکتها، از کارگران اعتصابی شکایت کرده و متاسفانه تعداد زیادی از کارگران به جریمه‌های سنگین از طرف دادگاه کار محکوم شده‌اند. اما مبارزه ادامه دارد.

دفاع از حقوق کارگران حق مسلم ماست

کارگران، نهاد ها و تشکل های کارگری!

در ماه های اخیر دور تازه ای از احضار و بازداشت کارگران و فعالین کارگری آغاز شده است. روز چهارم شهریور، افشین ندیمی، آزاد منیری نیا، شعیب صابری و کاوه گل محمدی در شهر کامیاران دستگیر و به زندان سنندج انتقال یافتند که بلاخره بعد از یک ماه با وثیقه ۱۵ و ۲۰ میلیون تومانی در اول ماه مهر آزاد شدند و در روز ۲۷ مرداد در شهر اهواز پڑمان رحیمی و محمد اسماعیلوندی بازداشت شده‌اند و هم اکنون در بازداشتگاه به سر می‌برند.

در شرایطی اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و دیگر فعالین کارگری دستگیر و زندانی می شوند که طبقه کارگر در ایران با مصائب روزافزون دست به گریبان است. سرمایه داران هر روزه با تمام ابزارها و امکانات، تعرض به کار و زندگی کارگران را ادامه می دهند. قرار داد های موقت و نبود امنیت شغلی، اخراج سازی های گسترده و به تعطیلی کشاندن کارخانه ها، دستمزدهای معوقه، بالا رفتن هزینه های زندگی از جمله مسکن و پوشاک و مواد غذایی، بخش های زیادی از کارگران و خانواده های شان را به تنگ آورده است. بنابراین آنها راهی جز مبارزه با بی حقوقی و نابرابری ندارند و از هر طریق ممکن برای داشتن یک زندگی انسانی، تلاش می کنند.

ما به عنوان جزیی از طبقه کارگر، خود را در کنار این اعتراض ها می بینیم و از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، پریس سنندج، غرب بافت کرمانشاه و دیگر مراکز کارگری برای دستیابی به حقوق و مطالبات شان دفاع می کنیم. ما هم طبقه ای همسران و فرزندان کارگرانی هستیم که روزانه بر اثر ناامنی کار در معادن و پروژه های صنعتی و ساختمانی، جان خود را از دست می دهند. ما جزیی از طبقه ای هستیم که از فرط بیکاری و فقر دچار آسیب های اجتماعی فراوانی می شوند و دست به فروش کلیه و خود سوزی می زنند و یا فرزندان شان از تحصیل محروم می شوند و به کار در کوره پزخانه ها و کارگاه ها روی می آورند. جرم اعضای دستگیر شده ما و دیگر فعالین کارگری چیزی جز حمایت و پشتیبانی از خواسته ها و مطالبات کارگران نیست.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری دفاع از حقوق پایمال شده طبقه کارگر توسط سرمایه داران را حق مسلم خود می داند و احضار و بازداشت فعالین کارگری را محکوم می کند. ما از همه کارگران، تشکل ها و سازمان های کارگری و نهاد های مدافع حقوق بشر داخلی و بین المللی می خواهیم برای آزادی اعضای دستگیر شده ما در شهرهای اهواز و کامیاران و کلیه فعالین کارگری، از جمله رهبران سندیکای واحد تهران، منصور اسالو و ابراهیم مددی، تلاش کنند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱/۷/۱۳۸۸

www.komitteyehamahangi.com

www.komitteyehamahangi.blogfa.com

komite.hamahangi@gmail.com

پیام نهادهای همبستگی با کارگران ایران به : گردهما نیها در خارج کشور، درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران

کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت یکی از ننگین‌ترین لکه‌ها در تاریخ حاکمیت رژیم جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی در ایران است. جمهوری اسلامی سرمایه، رژیم سر تا پا ارتجاعی و عقب‌گرا بوده و هست. اگر چه کشتار و به بندکشیدن انقلابیون و معترضین اجتماعی زائیده ایدئولوژی حاکم بر این رژیم ضد انسانی می باشد اما در واقع بیان کننده ماهیت روابط استثمارگرانه و ضد انسانی سرمایه داری است که این رژیم در ایران حامی آن است.

فشار اقتصادی ناشی از سیاست‌های مال‌اندوزی جنایتکاران حاکم بر ایران بیش از هر چیز برگردی کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند و بیکاری، افزایش فقر و سرکوب تنها چیزی است که طی سه دهه از سوی رژیم جمهوری اسلامی عاید آنها شده است. ستم طبقاتی و اجتماعی زندگی کارگران و سایر زحمتکشان، زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، پرستاران، اقلیتهای ملی و مذهبی و ... را تباه کرده است. بی مورد نیست که ستم‌دیده گان در ایران از هر مناسبتی برای بیان اعتراض، مقاومت و تنفر خود از جمهوری اسلامی استفاده نموده و چون اعتراضات توده ای جاری فریاد "مرگ بر دیکتاتور" و "نابود باد جمهوری اسلامی" را در کوچه و خیابان سرمی‌دهند، به رودروئی با چماقداران حکومتی می‌پردازند و زندان، شکنجه، تجاوز و مرگ عزم آنها را از مقاومت باز نمی‌دارد. زندانیان سیاسی سابق جمهوری اسلامی، شاهدان زندهی جنایات سی ساله دژخیمان حکومتی و یادآور مقاومت اند. ما نیز در کنار خانواده های آنها و نیز جانباختگان ماههای اخیر خاطره آنها را با همبستگی مبارزاتی گرامی می‌داریم.

ما بدینوسیله دروهای صمیمانه خود را به نشست شما عرضه داشته و پرشکوهی و پر باری آن را آرزو مندیم.

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!
زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور
سپتامبر ۲۰۰۹

- کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا unionnn1@gmail.com
- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا proletarianunite@gmail.com
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkargari@gmail.com
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه sstiran@yahoo.fr
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه kanoonhf_2007@yahoo.de
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر kanon.hannover@yahoo.de
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ kanounhambastegi@gmail.com
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk
- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن leftalliance@yahoo.com
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا toronto_committee@yahoo.ca

هفته افغانستان

۵ - ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹
نمایش عکس و فیلم / سمینار و بحث آزاد
در آب اف / استکهلم



آمریکای لاتین

۱۰-۱۱ اکتبر ۲۰۰۹ روز آمریکا لاتین همراه با سمینار، جلسات، جشن و دیگر فعالیتهای فرهنگی در خانه مردم رینکه بی برگزار میشود. در این مراسم زنان مبارز آمریکا لاتین از مبارزات و تجربیات خود صحبت میکنند. زنان عضو و فعال اتحادیه ها از محدودیتهای و فشارهای مبارزاتی شان و نیز پیروزیهای خود گزارش میدهند.

۱۰ و ۱۱ اکتبر ۲۰۰۹ در خانه مردم رینکه بی / استکهلم



سمینار علیه اشغال نظامی عراق

۸ اکتبر ۲۰۰۹ / ساعت ۱۸,۳۰
در آب اف / استکهلم

هزاران دانشجوی آزاده در اعتراض به حضور وزیر دولت کودتا در دانشگاه تهران شعار دادند دولت کودتا

استعفا استعفا – دانشجوی میمیرد ذلت نمی پذیرد

گزارش لحظه به لحظه اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران

تهران: به گزارش دانشجویان سوسیالیست: ساعت ۱۰ صبح کامران دانشجوی به دانشگاه تهران رفت دانشجویان باشعار از او استقبال کردند. جلوی کتابخانه جمعیتی از بسیجی ها که از دانشگاه باصطلاح امام صادق وارد کرده پوشانده است. جمعیت دانشجویان بر علیه او شعار میدهند

تهران: دانشجویان آزاده دانشگاه تهران در اعتراض به حضور وزیر دولت کودتا در دانشگاه تهران تظاهرات ضد دولتی به راه انداختند

شروع این تظاهرات که در اعتراض به حضور کامران دانشجوی وزیر علوم دولت کودتا در دانشگاه تهران صورت گرفت از ساعت ۱۰ صبح شروع شد.

هم اکنون تظاهرات به شدت ادامه دارد و دانشجویان در حال شعار های کوبنده هستند دولت کودتا استعفا استعفا – دانشجوی میمیرد ذلت نمی پذیرد. مرگ بردیکتاتور

تهران ۱۰۳۰: در این ساعت بیش از ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان در جلو کتابخانه جمع هستند و شعار میدهند دروغگو دروغگو... و دانشجوی میمیرد ذلت نمی پذیرد... وزیر علوم هم در داخل تالار در حالیکه تمام نفرات بسیجی های دانشگاه امام صادق را آورده اند سخنرانی میکند

تهران: تظاهرات ضد دولتی دانشجویان در مقابل کتابخانه مرکزی و نیز در خیابان های اصلی پردیس مرکزی دانشگاه به شدت ادامه دارد هر لحظه بر تعداد دانشجویان معترض افزوده می شود و دانشجویان شعارهای کوبنده دانشجوی میمیرد ذلت نمی پذیرد و... میدهند

قبل از ورود وزیر علوم دولت کودتا: اطراف و جلوی دانشگاه تهران به شدت توسط نگهبانان و بسیجی ها کنترل می شود..... دانشگاه خیلی شلوغ است..... جلوی کتابخانه ی مرکزی عده ای تجمع کرده اند... در حالی که هنوز کسی نیامده است و لی دانشجویان عزم جزمی دارند و آماده استقبال هستند شواهد حاکی از آن است که محمود احمدی نژاد نخواهد آمد چون دانشگاه خیلی فضایی آماده ای دارد و همه ی بچه ها آماده اند که دانشگاه را شلوغ کنند لذا بعید است که احمدی نژاد بیاید... و احتمالاً به جای او کامران دانشجوی میمیرد در جلوی هر درب تقریباً بین ۱۰ تا ۱۵ نگهبان ایستاده است... و همگی به شدت دانشجویان و کارت های آنها را کنترل می کنند..... در درون دانشگاه هم هیچ کدام از کلاس ها برگزار نشده است..... و نکته ی جالب این است که خود اساتید هم بیرون آمده اند و منتظر هستند ببینند که چه اتفاقی می افتد.

نگهبانان درب های ورودی و خروجی پردیس مرکزی دانشگاه تهران به شدت رفت و آمد دانشجویان به درون دانشگاه را کنترل می کنند.

در حالیکه حدود ساعت یک بعدازظهر، تجمع و راهپیمایی دانشجویان در دانشگاه تهران، با آرامش و بدون درگیری پایان یافت، گزارشات حاکی از آن است هجوم نیروهای ضدشورش به تعدادی از دانشجویان در هنگام خروج از دانشگاه، و دستگیری عده ای از آنها خبر می دهد.

اعتراضات امروز دانشجویان دانشگاه تهران پیش از ظهر امروز با شعار مرگ بر دیکتاتور آغاز شد. دانشجویان پلاکاردهای مراسم وزیر علوم را پاره کرده و خواستار بیرون انداختن وی از دانشگاه شدند. دانشجویان معترض که شمار آنان به هزاران نفر می رسید شعار می دادند دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد.

به گفته شاهدان، مزدوران رژیم برای جلوگیری از فیلمبرداری از تظاهرات، تلفن های موبایل تعدادی از تظاهرکنندگان را شکستند. آنان به هر کس که فیلمبرداری می کرد یورش می بردند.

دانشجویان در پایان تظاهرات با سر دادن شعار تا احمدی نژاده هر روز همین بساطه، اعلام کردند این تازه شروع تظاهرات در دانشگاه است و هر روز ادامه خواهد داشت.

گفتنی است ماموران سرکوبگر رژیم امروز در وحشت از گسترش اعتراضات تلاش می کردند تا دامنه تجمع دانشجویان به بیرون دانشگاه کشیده نشود

[فیلم: دانشگاه تهران، ۶ مهر](#)



هیچ چیز نمی‌تواند مرا چنین نگه دارد. بگوید بایست و خوابهای را بخوان. ” زینب ” شاعر نوجوان افغانی که روزی بزرگ خواهد شد. شعرهای او از قلب محله‌ای دور در ” ورامین ” رگ‌های مرا به جنبش در خواهد آورد. حالا هر کجا که باشم:

شب، در خیابانها بلند است و خدا هر روز خوشبخت تر می شود	و رنگ های اتاقم رفت. *	که گناهانم را اعتراف کند بوسه هایم را
بخواب که گویی قرن هاست زنهای محله شانه هایت را در بغل می گیرند. *	روزهاست که قلیان ها دود می کنند، گذشته هایم را در قهوه خانه، *	عشق هایم را لبخندها و غم هایم را *
بی خوابی پلک هایم را کوتاه تر کرده! من از صبح می ترسم برای یک معشوق مرده دیگر دلتنگی ای نیست که دست هایم نگران بلرزند، و درست چند لحظه نگذرد که خاطرات ام امیدوار شوند، ایمان بیاورند، شاد شوند. *	روزهاست، گناهانم شیطانند، امیدوارند و خدا تعبیر می کند مرا، پیش از آنکه تو زیباتر شوی و آینده دردناک تر *	تو چه فکر می کنی؟ من اگر لبخند بزدم، شاید که دیگر امیدی نباشد آرزویی نباشد فریادی نباشد *
هیچ کس نگفت: که گناهان من، اندوه های بزرگی بودند و یا شاید که من دختری زیبا با گذشته‌ای تلخ آه ... من از کجا بدانم؟ که شاید تو همان مرگ مهربانی باشی و شاید خدا همان مسافر مهربانی نباشد،	روزهاست که همیشه می ترسم من چه خواهم دانست؟ تو چه خواهی دانست؟ که روزی من -همان دختری زیبا- به کدام دستفروش دوره گردی فروخته شوم؟ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ورامین	